تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۵

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود
سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۸

تبارشناسی چالش «قومیت‌گرایی یهود» قبل از ظهور و ارائه راهکارهای مواجهه با آن

رضا قزی[۱]
صالح آقابابایی[۲]
سید صمصام‌الدین قوامی[۳]

چکیده

شواهد تاریخی و روایی مبنی بر تقابل قوم یهود با حضرت مسیح علیه‌السلام، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نشان می‌دهد. مستنداتی نیز دال بر وجود قومیت‌گرایی افراط‌گرایانه یهود هم در فقرات عهد عتیق و جدید، هم چنین تلمود و بسیاری از آیات و روایات اسلامی، علاوه بر جریانات تاریخی مواجهه این قوم با انبیای بزرگ الهی، همگی به مثابه چالش بزرگ فرا روی حکومت موعود امم است. طیف گسترده‌ای از روایات باب امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، گمانه‌های قومیت‌گرایی را از مهم‌ترین چالش‌های تهدیدکنندهٔ حکومت عدالت‌خواه حضرت رقم می‌زند. هدف پژوهش حاضر تبارشناسی چالش‌های قومی، تا قبل از دولت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است.

واژگان کلیدی

چالش، قوم‌گرایی، قوم یهود، حضرت مسیح علیه‌السلام، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

---

۱. دانش‌پژوه دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله قم (نویسنده مسئول) (rghaz@ymail.com).
۲. مدرس بنیاد فقهی مدیریت اسلامی.
۳. مجتهد نظریه‌پرداز در عرصه مدیریت اسلامی.

مقدمه

با توجه به آیات راهبردی قرآن کریم از جمله آیات نخستین سوره «بنی‌اسرائیل» هم‌چنین آیه ۸۲ سوره شریفه مائده ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ حاکی است که یکی از چالش‌های جدی فراروی حکومت مؤمنان در طول تاریخ، وجود یهودیان قومیت‌گرا هستند ارزیابی شواهد تاریخی نیز درصدد است تا امکان ردیابی این چالش را بررسی نماید. در حالی که علاوه بر این آیات دیگر، روایات بسیاری وجود دارد که برخی مربوط به تفسیر آیات، و بعضی دیگر پیرامون وضع یهودیان در عصرپیش از ظهور و عصر حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است، قوم یهود در مقاطع گذشته تاریخ نشان دادند که طرفدار حق نبوده و نخواهند بود؛ در آیات و روایات اسلامی نیز با تکیه بر قومیت و انتساب خویش به خداوند، در برابر سنگر حق قد علم کرده و سعی بر شکست آنها داشتند. ضرورت بررسی موضوع زمانی مضاعف می‌گردد که پس از تحلیل و بررسی نشان دهیم که یهودیان مستکبر قومیت‌گرا، تکیه‌شان بر قومیت، نه زبان، و نژاد بلکه مبنای آن را دینی و الهی می‌دانند.

این مقاله قصد دارد با کاوشی در رگه‌هایی از میراث نقلی و تاریخی، فرضیه فوق را جدی‌تر دنبال نموده، قرائت جدیدی از پیشینه و تبار قوم‌گرایی مذکور ارائه کند. نخست با طرح مجموعه شواهدی مبتنی بر گمانه‌های تاریخی، مشخص می‌شود که قوم یهود صرفاً در مقابل حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قیام نمی‌کنند. از آن‌جا که ممکن است شواهد یاد شده، اعتبار عام و پذیرفته شده ادعای فوق را تا اندازه‌ای مورد تردید قرار دهد با استناد به برخی فقرات کتاب مقدس و آیات قرآن کریم و روایات اسلامی، وجود قوم‌گرایی فوق را مورد تأکید قرار می‌دهد. تبارشناسی قوم یهود، حاکی از انسجام اجتماعی کاملاً محسوسی در جوامع یهودی در اثر تعصّب شدید قومی انجامیده و این همبستگی اجتماعی دلیل اصلی بقای اجتماعی آنها حتّی در عصر حضور حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهد بود.

قومیت‌گرایی یکی از آفت‌های جامعهٔ بشری است که در طول تاریخ، رنج و ستم بی‌شماری را بر انسان‌ها تحمیل کرده است. این پدیده شوم ریشه در خصلت حیوانی انسان‌ها دارد که مبتنی بر سلطه‌جویی و افزون‌طلبی بر دیگران است. علّامه طباطبایی ذیل تفسیر آیات ۴۹ تا ۵۴ سوره بقره، اشاره می‌کند که بنی‌اسرائیل جامعه‌ای بودند که قومیّت در آنها شدید بود، چون یک تن بودند. در نتیجه، اگر عملی از بعضی سر می‌زد همه بدان راضی می‌شدند. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج۱، ۱۸۹) لیون سیمون محقّق برجستهٔ یهودی نیز معتقد است:

آئین یهود برخلاف مسیحیّت به هیچ وجه رستگاری روح فرد را بشارت نمی‌دهد، همهٔ

ایده‌ها و مفاهیم یهودیّت با هستی قوم یهود، گره خورده است. (فورد، ۱۳۸۲: ۷۰)

دو دین ابراهیمی ـ مسیحیت و اسلام ـ به دلیل این‌که خواستار تعدیل خواسته‌های مادی و معنوی انسان هستند، همواره در معرض توطئه‌ها و تقابل سلطه‌جویی، افزون‌طلبی و قوم‌گرایی یهود قرار داشتند. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی و تشیع به عنوان رساترین قرائت از اسلام ـ که عدالت اجتماعی و رستگاری انسان از مهم‌ترین آموزه‌های آن است ـ بیشتر از هر دین و آئین دیگری گرفتار چالش‌ها و تقابل با این قوم کج‌اندیش می‌باشد. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که «ماهیت چالش‌های اجتماعی قوم‌گرایی یهود چیست»؟ پرسش‌های فرعی دیگری نیز قابل طرح است: یکم. خاستگاه و زمینه‌های چالش‌های قومی یهود کدامند؟ دوم. انواع راهبردها و رویکردهای قرآن کریم و روایات اسلامی کدام است؟ فرضیهٔ پژوهش بررسی راهبردهای مناسب با نژادپرستی و قومیت‌گرایی یهود است. روش پژوهش حاضر از نظر راهبرد توصیفی ـ تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای ـ اسنادی است. تحقیقات توصیفی هم جنبهٔ کاربردی دارند هم جنبهٔ مبنایی، که در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و هم چنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود. یکی از روش‌های توصیفی «جامعه‌شناسی تاریخی» است؛ یعنی در نظر گرفتن ویژگی‌های سنتی هر جامعه برای تبیین مسائل و چالش‌های آن بهره برده است.

تلاش نگارنده در این مقاله به این پاسخ رهنمون شده است که «در کنار عواملی چون دین‌ستیزی، توهین و جسارت به انبیاء الهی، تدلیس، همه ریشه در قومیت، تبختر و خودپسندی این قوم دارد که عملاً منشأ یک سری چالش‌های سیاسی و اجتماعی دیگری در طول تاریخ بشریت، توسط ایشان بوده است و حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز از چالش‌های اجتماعی این قوم بی‌نصیب نمی‌باشد.»

قوم یهود بعد از حضرت موسی علیه‌السلام از راه حق منحرف شدند و پیامبران الهی را که برای اصلاح ایشان ظهور می‌کردند، به قتل می‌رساندند، (بقره: ۹۱؛ آل‌عمران: ۱۱۲) این گروه مطابق پیش‌گویی‌های تورات، منتظر ظهور دو موعود بودند. یکی از آنها حضرت مسیح علیه‌السلام ظهور کرده بود و یهود با عداوت خویش، وی را تحت فشار و تعقیب قرار داده و با گمانه‌زنی خویش، حضرت را به پیامبر مفقودالاثر تاریخ تبدیل کردند. به این نیز اکتفا نکرده و با نفوذ در دین مسیح، چنان انحرافی در آن ایجاد نمودند که اساس فعالیت مسیح علیه‌السلام را که فریسی‌ستیزی بود، به دوستی و همراهی با فریسیان تبدیل کردند. پس از حضرت عیسی علیه‌السلام، این قوم، دیگر

جز اسلام هیچ تهدیدی را در برابر خود نمی‌بیند. از طرفی، ادیان مدعی آن روز هم‌چون مسیحیت و یهودیت، از شخصی می‌گفتند که با ظهور خود، جهان را از فتنه، ستم و بی‌عدالتی پاک خواهد ساخت و قوم منحرف یهود برای بقای خود، ناگزیر از برخورد جدی با ایشان برای بقای خود است.

به نظر می‌رسد با توجه به روحیه قوم‌گرایی و نژادپرستی که در یهود سراغ داریم، آنها چالش اصلی برای ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف هستند؛ زیرا دشمنی دیرینه یهودیان با اسلام و بالعکس، روحیه نژادپرستی به گونه‌ای که فقط نژاد یهود را برتر و برحق می‌دانند، پیامبری را می‌پذیرند که دلخواه و از نژاد خودشان باشد، هدایت و بهشت را از آنِ خود می‌دانند، همه این امور سبب می‌شوند تا انسان اطمینان پیدا کند، یکی از چالش‌های حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در عصر ظهور ـ بلکه اصلی‌ترین و شدیدترین آنها ـ رویارویی با قوم یهود است. در این تحقیق با تکیه بر منابع معتبر، قرآن، تفاسیر، روایات شیعه و روایات اهل‌سنت به بررسی و تحلیل آنها پرداخته‌ایم. با اطلاع از رویارویی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با قوم یهود در عصر ظهور، می‌تواند در زمینه سازی برای ظهور و اتخاذ راهبردها و راهکارهای مناسب با این قوم در قبل از ظهور، نقش مهمی داشته باشد.

چالش

یکی از واژه‌هایی که به‌تازگی در ادبیات و مباحث اجتماعی کاربرد فراوانی پیدا کرده است، واژه «چالش» است. این واژه در لغت‌نامه‌های فارسی ضبط و معنی شده است، اما کاربرد رایج و امروزی آن، با معانی لغت‌نامه‌ای آن تفاوت دارد. غالبا «چالش» را معادل Challenge تلقی می‌کنند، حال آن‌که تأملی در کاربرد این واژه در متون و محاورات، نشان می‌دهد معانی متفاوت و مختلفی از این لفظ مورد نظر بوده که با معنای Challenge انطباق کامل ندارند. معانی چالش در زبان فارسی برگرفته از لغت «چال» ـ به‌معنی گودال، آشیانه مرغان، عمیق ـ است؛ فرهنگ معین برای «چالش» نیز سه معنی آورده است:

> ۱. رفتن با ناز و خرام، جولان؛ ۲. مباشرت؛ ۳. زدوخورد، جنگ و جدال سپس فعل «چالش‌کردن» را به «زدوخوردکردن» و «جنگ‌وجدال‌کردن معنی می‌کند. (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه چال)

اما لغت‌نامه دهخدا احتمال می‌دهد که چالاک و چالش هر دو از «چال» ـ به معنی رفتار ـ باشند. ایشان چالش را به معنی جنگ و جدال، حمله و یورش می‌داند و علاوه بر معانی

ذکرشده در فرهنگ معین، تلاش، کشتی و مصارعت را هم ذیل معانی «چالش» ذکر می‌کند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه چال) در ترجمه واژه انگلیسی آن آمده است:

> وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار که مواجهه با آن تلاشی سخت و تعیین‌کننده را ایجاب کند اطلاق می‌شود. (BBC (English Dictionary), London, 1993)

برای تعریف اصطلاحی چالش می‌توان به نکات ذیل توجه داشت: «چالش‌ها امواجی‌اند که پیش روی انسان قرار دارند. (ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ص. پ) هدف مطالعه چالش‌ها، رسیدن به راهبردهای عملی و نویدبخش است.(ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ص. ت) چالش‌ها با فرصت‌ها متفاوت‌اند ولی چالش می‌تواند به فرصت تبدیل شود(ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۳). یکی از اهداف بررسی چالش‌ها، کاهش خطرات است. (ورنر و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۹) نکات فوق از جمله مواردی هستند که می‌توان آنها را در تدقیق و تنقیح معنای چالش، مورد استفاده قرار داد. بنابراین در معنای اصطلاحی آن می‌توان گفت:

> شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد. (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۷)

قومیت‌گرایی

قومیت‌گرایی یا ملیت‌پرستی که معادل واژهٔ «ناسیونالیسم» قرار داده شده است، به معنای اصالت دادن به تعلقات قومی و نژادی است. این تعلقات که متکی به احساسات و عواطف انسان است در مرحلهٔ ابتدایی به شکل علاقه‌مندی به قوم و سرزمین ظهور یافته و در مرحلهٔ بعدی به ملی‌گرایی و سرانجام به شوونیسم می‌رسد. قوم، واژهٔ عربی است که در فارسی« گروه مردم، اجتماعی از مردم، خویشاوندان» معنی می‌دهد. (عمید، ۱۳۶۳: ۱۵۹۳) معادل انگلیسی واژهٔ قوم «Ethnic» است که به‌طور عمده به اقلیت‌های غیرانگلوساکسون در ایالات متحدهٔ امریکا اطلاق می‌شود. مفهوم اجتماعی قوم در عربی فراتر از «خویشاوند» و «قبیله» است و معادل مفهوم واژه‌های «ملت» و «شعب» است. ملت، نه به مفهوم قرآنی آن که دین و راه و روش است، بلکه به مفهوم مصطلح آن، یعنی یک واحد اجتماعی که دارای سابقهٔ تاریخی واحد و قانون و حکومت واحد و آرمان‌های مشترک باشد. (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۱) قومیت‌گرایی، چه در سطح جهانی و ملی و چه در سطح قبیله و طایفه اگر محور قرار داده شده و اصالت یابد، در آن صورت حالت «Ethnocentrism» به‌وجود می‌آید که افراد هنجارهای فرهنگ جامعهٔ خود

را مطلق و بدون چون و چرا انگاشته و به هنجارهای متفاوت جوامع دیگر با تحقیر می‌نگرند. (بخشی، ۱۳۶۳: ۹۸) قومیت‌گرایی (ناسیونالیسم) در کشورهای مختلف به دو شکل تبارز کرده است؛ یکی به شکل نهضت آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلب در برابر تجاوز خارجی، و دیگری به شکل عقیده و آرمان برتری‌خواهانه و سلطه‌جویانهٔ یک ملت نسبت به ملت‌های دیگر و یک قوم و قبیله نسبت به اقوام دیگر در یک کشور واحد. قومیت‌گرایی شکل اول را «ناسیونالیسم مثبت» و شکل دوم را «ناسیونالیسم منفی» تعریف کرده‌اند. به نظر مک لین «قومیت، چگونگی تعلق به یک گروه قومی است. قومیت شامل آگاهی نسبت به ریشه‌های تاریخی و سنت‌های مشترک است و یا برخورداری گروه از ریشه جغرافیایی، زبانی، مذاهب و الگوهای سکونت مشترک، برخورداری از ملاحظات سیاسی مشابه به ویژه در رابطه با سرزمین و نهادهای سیاسی و برخورداری از نوعی احساس تمایز و متفاوت بودن از دیگران می‌باشد. (طرح و بررسی استراتژیک، ۱۳۷۹: ۷ و ۹)

ماهیت قوم‌گرایی از منظر جامعه‌شناسان

از منظر جامعه شناسان، قوم‌گرا، قوم‌مدار یا قوم‌محور به کسانی اطلاق می‌شود که قوم و فرهنگ خود را برتر و اقوام دیگر و فرهنگ آنان را پست‌تر تلقی کرده و براساس همین تفکر، علیه اقوام دیگر تبعیض و بی‌عدالتی روا می‌دارند. جوئل شارون، شش عامل مشوق برای قوم‌مداری (قوم‌گرایی) ذکر می‌کند که عبارتند از کنش متقابل، احساس وفاداری به سازمان، اجتماعی شدن، ایجاد کجروی، تسلط و ستم، تضاد اجتماعی. (شارون، ۱۳۷۹: ۲۰۲-۲۰۸) جامعه‌شناسان تأکید می‌کنند که قوم‌گرایی هرگاه همراه با خصومت نسبت به برون گروه باشد، به طرف‌داری از درون گروه می‌انجامد. حتی برخی اوقات به درگیری، خشونت یا پشتیبانی، از رفتارهای تبعیض‌آمیز منجر می‌شود. (Hooghe,2008:1) در نهایت بری و کالین دو جامعه‌شناس کانادایی که مطالعات متعددی در مورد قوم‌گرایی انجام داده‌اند، آن را به معنی«عدم پذیرش تنوع قومی، عدم تحمل برون گروه‌ها به‌طور کلی، و ترجیح نسبی درون گروه بر برون گروه» می‌دانند و این مفهوم را مترادف با تنفر یا بیزاری عمومی نسبت به تمام برون گروه‌ها قلمداد می‌کنند. (Berry&Kalin,1995: 303)

قوم‌گرایی در میان جمعیت یهودی اسرائیل معاصر نیز امری هژمونیک بوده است. یهودیت صهیونیزم[1] یک جنبش ملی بود، اما فاقد سرزمین و به‌طور طبیعی ملیت نژادی یا ترکیبی رایج

۱. ناهوم سوکولف نویسنده کتاب تاریخ صهیونیزم و از رؤسای «آژانس یهود» مدعی شده است: «اندیشه صهیونیزم به اندازه ←

در سرزمین را پذیرفت. ناسیونالیزم یهودیان سرگردان در فلسطین و سایر نقاط جهان را به یک ناسیونالیزم استعماری مهاجرتی به دنبال سرزمین کشاند. هنگامی که دولت یهودی تشکیل گردید اصول نژادی عضویت را در دستور کار قرار داد و هیچ‌گاه اصل جایگزین لیبرال سرزمینی را نپذیرفت و تاکنون در اسرائیل مسلط بوده و نماد بارزی از ناسیونالیزم یهودی است، اگر حقوق شهروندی برای اعراب و یهودیان در اسرائیل بالقوه است، اما تفاوت بالفعل گروه تحت سلطه و اکثریت حاکم جایگاه واقعی این حقوق را آشکار می‌نماید. (Peled,1993: 21-30) با توجه به دیدگاه جامعه‌شناسان اگر مقوله قومیت، تبدیل به فرصت نشود، قطعاً تهدید و چالشی بزرگ فراروی حکومت ایجاد می‌شود. این چالش زمانی پیش می‌آید که یک قومی بخواهد سلطه و هژمونی خویش را بر بدنه اجتماع حاکم نماید. با توجه به راهبرد عهد جدید و قرآن کریم، قوم یهود در هیچ مقطعی از تاریخ نخواستند با اقوام و ملل دیگر تعامل داشته باشند بلکه همیشه در چالش بودند.

بی‌شک قوم‌گرایی یهود ریشه در عنوان عام قومِ برگزیده دارد که بیانگر این اندیشه است که قوم اسرائیل رابطه ویژه و منحصر به فردی با خدای جهان دارند. این اندیشه در سراسر تاریخ تفکر یهود اندیشه‌ای محوری بوده و در مفاهیم کتاب مقدس ریشه‌ای بس عمیق دارد و در تلمود، فلسفه و عرفان یهودی بسط یافته است. این واژه برای نشان دادن موارد زیر به کار رفته است:

۱. انتخاب اشخاص از سوی خدا برای ایفای نقش خاص یا به عنوان کاهن. برگزیدگی در آیه ذیل به این معنا به کار رفته است: در سموئیل می‌گوید: «و آیا او را از جمیع اسباط اسرائیل برنگزیدم تا کاهن من بوده، نزد مذبحِ من بیاید؟» (اول سموئیل، ۲: ۲۸)؛

۲. در مورد کسانی که نقش پادشاه را ایفا می‌کنند، نیز به کار رفته است: در اول پادشاهان

قوم یهود قدمت دارد و نمایندگان اندیشه و مکتب یهود، آن را ترویج کرده بودند». (ساکولف، ۱۳۷۷: ۱۲۵) از یک سو امروزه نمی‌توان یهودی را پیدا کرد که اعتقاد به صهیون نداشته باشد. از سوی دیگر بیشتر احزاب و گروه‌های یهودی در طول تاریخ علاوه بر تورات، به شریعت شفاهی و کتاب‌های یهودیت خاخامی از قبیل تلمود، شولحان عاروخ و حتی کتاب های قبالایی و یا دست‌کم تفسیرهای قبالای نیز به عنوان منبع علوم الاهی می‌نگرند، (المسیری، ج۵، ۴۲۱-۴۲۲) که در بیشتر آنها به رجوع به صهیون و بیت‌المقدس تاکید دارند. از زاویه دیگر آن‌که ممکن است در رجوع به صهیون در قبل از ظهور ماشیح یا بعد از ظهور اختلاف باشد (شهبازی، ۱۳۷۷: ج۱، ۲۴۳) و الا اصل برگشتن به صهیون در بین یهودیان مسئله اتفاقی است. چیزیی که هست با روی کار آمدن دولت ناسیونالیسم یهودی روی کار، تاکید بر نژادپرستی و قومیت گرایی بیشتر خود را نمایان کرده است و الااین جنبش جدای از قوم یهود نیست. برخی پژوهشگران گمانه‌زنی کردند که مفهوم «ناسیونالیسم»، ابتدا در کشمکش‌های اروپایی از دل نیروهای ناپلئون قد برافراشت و از سال ۱۸۴۸ رشد کرد و مطرح گردید. (Arthur A. Cohn and Paul Mendes-Flohr, p702) این در حالی است که مطابق تبارشناسی انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد در هیچ زمانی از مفهوم ناسیونالیسم از قوم یهود جدا نبوده است.

آمده است: «اما داود را برگزیدم تا پیشوای قوم من اسرائیل بشود» (اول پادشاهان، ۸: ۱۶)؛

۳. به معنای اختصاص دادن مکانی خاص به محل مقدس و عبادت نیز به کار رفته است. در سفر تثنیه به معنای خاص الاهیاتی این واژه اشاره شده است. (Judaica,1972: 9, 498)

براساس این برداشت، برگزیدگی گوهر و ماهیت عهدی است که رابطه اساسی میان خدا و اسرائیل را نشان می دهد و در سرتاسر کتاب مقدس عبری بر آن تأکید شده است.

به گفته هنری اتلن هر قومی خودش را محور جهان می‌داند. (Atlan, 1987: 56) اما زمانی این عقیده به یک چالش عظیم و حتی بحران تبدیل می‌شود که به نفی دیگر اقوام و سلطه بر آنها برآید. در تلمود آمده است:

> قوم یهود مقدس و سرورند... دنیا فقط برای جماعت بنی‌اسرائیل خلق شده است... هیچ کس به جز بنی‌اسرائیل نمی تواند ادعا کند فرزند خداست. مِهر و محبت خدا از آن جماعت بنی‌اسرائیل است و بس. (المسیری، ۵، ۷۲)

خاستگاه قوم‌گرایی در قرآن کریم

اگرچه در قرآن کریم اطلاعات دقیقی درباره یهود پیش از ظهور در دست نیست، ولی با توجه به ویژگی‌های یهود در قرآن از جمله نژادپرستی و خودبرتربینی (بقره: ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۰ و ۱۳۵)، آنان پیامبری را که دلخواه آنها نباشد، نمی‌پذیرند (بقره: ۸۷)، دشمنی شدید آنها با مسلمانان سبب خواهد شد تا در عصر پیش از ظهور و در حین ظهور موضع منفی و واکنش سلبی از خودشان نشان دهند و پیش‌بینی‌های لازم را در جهت رویارویی با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف داشته باشند. آیه شریفه ۸۲ سوره مائده می‌فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ﴾ علامه طباطبایی ذیل آن می‌فرماید:

> گرچه خطاب در این آیه متوجه شخص رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است، لیکن این نکته نیز بر کسی پوشیده نیست که آیه شریفه در مقام بیان قانون و ضابطی است کلی.

ایشان در ادامه می‌نویسند:

> این نکته که عبارت است از بیان قانون کلی در صورت خطاب خصوصی بسیار به کار می‌رود: مانند آیه ﴿تَرى كَثِيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (مائده: ۸۰) و آیه ﴿تَرى كَثِيراً مِنْهُمْ يسارِعُونَ فِي الْإِثْمِ﴾ (مائده: ۶۲). (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج۶، ۸۰)

در تفسیر *المیزان* اشاره شده است که قوم یهود گرچه در ایمان آوردن و یا جزیه دادن مانند نصارا مختار بودند، لیکن به آسانی اسلام را قبول نکردند، بلکه مدت‌ها در نخوت و عصبیت

خـود تصـلب و پافشـاری کردنـد، مکـر و خدعـه بکـار بردنـد، عهدشـکنی‌هـا کردنـد، خواهـان بـلا و مصیبت مسـلمین بودنـد، و بـالآخره صـفحات تـاریخ از خـاطرات تلخـی کـه مسـلمین آن روز از یهود دیدند پر است، خاطراتی که تلخ‌تر و دردناک‌تر از آن تصور ندارد. ایـن راهبـرد شریف قرآنی به خاطر راهکارها و روش‌های باطلی است که یهود از اول برداشته و تا حال حاضر ادامه داده است و در عصر ظهور حضرت نیز به همین شکل عمل خواهند کرد. در واقع با توجه به آیات ذیل می‌توان نشان داد که ایـن قوم تا چه اندازه بر استبداد، و قوم‌گرایی خویش تکیه داشتند و دارند.

■ کفر به آیات و قتل انبیاء الهی: ﴿ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کانُوا یکْفُرُونَ بِایاتِ اللهِ وَ یقْتُلُونَ النَّبِیینَ بِغَیرِ الْحَقِّ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یعْتَدُونَ﴾ (بقره: ۶۱).

■ شکایت پیامبرشان: ﴿وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ یا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنی﴾ (صف: ۵).

■ پیـروی از هـوای نفـس: ﴿وَ لَـئِنْ أَتَیـتَ الَّـذِینَ أُوتُـوا الْکِتـابَ بِکُـلِّ آیَـةٍ مَـا تَبِعُـوا قِبْلَتَـکَ﴾ (بقره: ۱۴۵).

■ تحقیر انبیاء و ادیان دیگر: ﴿وَ قالَتِ الْیهُودُ لَیسَتِ النَّصاری عَلی شَیءٍ﴾ (بقره: ۱۱۳).

■ هواپرست نـه حق‌پرست: ﴿کُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لاَ تَهْوَی أَنْفُسُهُمْ فَرِیقاً کَذَّبُوا وَ فَرِیقاً یَقْتُلُونَ﴾ (مائده: ۷۰).

■ پیمان‌شکنی قوم یهود: ﴿فَبِما نَقْضِهِمْ میثاقَهُمْ لَعَنّاهُمْ وَ جَعَلْنا قُلُوبَهُمْ قاسِیةً﴾ (مائده: ۱۳).

■ باغی بودند: ﴿فَمَا اخْتَلَفُوا إِلاَّ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ﴾ (جاثیه: ۱۷).

■ اعتـراف بـه قتـل مسیح: ﴿وَ قَوْلِهِمْ إِنَّـا قَتَلْنَـا الْمَسِیحَ عِیسَی ابْـنَ مَرْیَمَ علیه‌السلام رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله﴾ (نساء: ۱۵۷).

■ فساد در زمین دو بار: ﴿لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَینِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیرًا﴾ (اسراء: ۴-۵).

■ عدم ایمان به پیامبر خودشان: ﴿وَ إِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نُؤْمِنَ﴾ (بقره: ۵۵).

■ انتساب بنوت خـویش بـه خداونـد: ﴿وَ قالَـتِ الْیهُودُ وَ النَّصاری نَحْـنُ أَبْناءُ اللهِ وَ أَحِبّاؤُهُ﴾ (مائده: ۱۸).

■ نقـض پیمـان: ﴿وَإِذْ أَخَـذْنَا مِیثَـاقَ بَنِـي إِسْـرَائِیلَ لَاتَعْبُـدُونَ إِلَّا اللهَ وَبِالْوَالِـدَیْنِ إِحْسَـاناً وَذِي الْقُرْبَـی وَالْیَتَـامَی وَالْمَسَـاکِینِ وَقُولُـوا لِلنَّـاسِ حُسْـناً وَأَقِیمُـوا الصَّلَـوةَ وَآتُـوا الزَّکَـوةَ ثُـمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلَّا قَلِیلاً مِنْکُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ﴾ (بقره: ۸۳).

■ حرص به دنیا: ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَی حَیَاةٍ...﴾ (بقره: ۹۶).

■ آزار اهل ایمان: ﴿وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکُمْ ...أَذًی کَثیرًا﴾ (آل‌عمران: ۱۸۶) بنابر نکته‌ای که علامه طباطبایی اشاره فرمودند: یادآور می‌شویم که ایذاء و اذیت اهل ایمان مخصوص دوران نبی اکرم ﷺ نمی‌باشد.

تبار قوم‌گرایی یهود در عصر مسیح

عده زیادی از یهودیان به کار تجارت و بازرگانی مشغول بودند و در برخی کشورهای اروپایی، حدود سال ۷۰م، مستقر شده بودند. اما وقتی مسیحیت در خاورمیانه ظهور کرد و سپس وارد اروپا شد، یهودیان به این دیانت جدید از این منظر نگاه می‌کردند که این دین اساساً آمده است، تا اصول ربّانیون و شریعت «تلمود» را نابود کند که منادی برتری جنس بشری یهودیان و مدّعی صفت «ملت برگزیده خدا» بوده، لذا سیل تهمت‌ها و افتراها را به حضرت مسیح علیه‌السلام، حواریون و شاگردانش زدند. هدف از ایجاد چنین چالشی نسبت به مسیحیت، این بود که بتوانند آنها را به بی‌خردی، حماقت و عدم قداست متهم کنند.

در اناجیل، سیمایی منفی‌از یهودیان فریسی ترسیم شده است. حضرت مسیح بارها آنان را به خاطر ریاکاری‌شان مورد توبیخ و بازخواست قرار می‌دهد. نمونه‌ای از این توبیخ‌ها را در باب ۲۳ انجیل متی می‌توان یافت که آن حضرت بارها این گروه را ریاکار و فریبکار می‌خواند:

> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می بندید، زیرا خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می‌شوید. وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار ... وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار.

مستر «هاکس» درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش یک منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود می‌نویسد:

> عبرانیان منتظر قدوم مبارک "مسیح" از نسل‌های گذشته تا به امروز بوده‌اند و وعده آن وجود مبارک، مکرراً در "زبور" و کتب پیامبران علی‌الخصوص در کتاب "اشعیاء" داده شده است. تا وقتی که یحیای تعمیددهنده آمده به قدوم مبارک وی بشارت داده، لیکن یهود آن نبوآت (پیشگویی‌ها) را نفهمیده با خود همی‌اندیشیدند که "مسیح" سلطان زمان خواهد شد و ایشان را از ذلت جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد داد. (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۰۶)

چالش یهود در عصر خاتم‌الانبیاء

برخی از یهودیان پس از جنگ با روم در سال ۷۰م، که منجر به تخریب بیت‌المقدس شد و یهود در سراسر عالم پراکنده شدند، به جزیرةالعرب آمدند. منابع عربی نیز این نظریه را تأیید

می‌کنند. (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲۳-۲۴) درباره علل مهاجرت یهودیان به جزیرةالعرب، نظریات گوناگونی ارائه شده است. برخی بر این باورند که آوارگی یهودیان پس از تخریب اول و دوم بیت‌المقدس، باعث شد که گروهی از آنان به جزیرةالعرب بیایند. برخی دیگر، روابط تجاری را دلیل مهاجرت می‌دانند. برخی نیز، افزایش جمعیت یهودیان را علت مهاجرت معرفی می‌کنند؛ اما براساس آیه ۸۹ سوره بقره و برخی روایات می‌توان گفت یهودیان براساس آگاهی از ظهور پیامبر جدید در این منطقه به آن‌جا کوچ کرده بودند.

گروه‌های متعددی از یهودیان در جزیرةالعرب ساکن شده بودند؛ مانند بنی‌قینقاع، بنی‌نظیر، بنی‌قریظه و یهودیان خیبر که پیامبر اکرم ﷺ امیدوار بود با توجه به هماهنگی فکری و دینی اسلام و یهودیت، آنان با مسلمانان همگام شوند. انتظار می‌رفت با شناختی که از اجداد پیامبر اکرم ﷺ و بعدها از خود ایشان داشتند، به ایشان احترام بگذارند و ایمان بیاوردند. ﴿یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ أَبْناءَهُم﴾ (بقره: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰) ولی در عمل این اتفاق رخ نداد. بلکه برعکس قوم یهود با شناسایی نور نبوت در اجداد پیامبر ﷺ و با تطبیق آن با علائم ذکر شده در کتاب‌های آسمانی سعی در خاموش کردن این نور داشتند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج۱۵، ۹۰؛ ج۱۰۸، ۲۰۳) یکی از راهبردهای یهودیان مصادره به مطلوب بود. این قوم، خانمی از کاهنان یهود را فرستادند که همسر عبدالله، پدر بزرگوار پیامبر اکرم ﷺ شود و نطفه پیامبر آخرالزمان به این زن منتقل شود؛ چرا که اعتقاد یهود در میشنا بر این است که یک فرد تنها براساس زاده شدن از مادر یهودی، یهودی تلقی می‌شود. لذا آن زن هر روز سر راه عبدالله را می‌گرفت و به او پیشنهاد ازدواج می‌داد اما روز بعد از ازدواج عبدالله با آمنه، دیگر آن پیشنهاد را نداد، عبدالله از او پرسید: چرا این بار سخن پیشینت را تکرار نکردی؟ گفت: نوری که در پیشانی تو بود، دیگر نیست، زیرا عبدالله ازدواج کرده بود. (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج۱، ۲۶) این بود که تلاش کردند تا عبدالله را از بین ببرند. طی دو ترور نافرجام عبدالله توانست جان خویش را حفظ نماید. اما در گام آخر که نوعاً در کتب تاریخی می‌نویسند به علت بیماری از دنیا رفته است، یهودیان اهداف خودشان را اجرایی کردند، منتها این واقعه بعد از ازدواج عبدالله با آمنه مادر گرامی حضرت رسول ﷺ بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۱۱۵، ۹۰-۱۱۰) بعد از مایوس شدن از ترور حضرت رسول ﷺ و استقرار حکومت اسلامی در مدینه بنای سرنگونی حکومت پیامبر اکرم ﷺ در سر داشتند و در این راستا از هیچ حیله سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرو گذار نکردند.

براساس آیات قرآن، چالش‌های ایشان در حکومت نوپای اسلامی عبارت بودند از:

ـ سیاسی و نظامی مانند (جاسوسی، تهدید امنیت، طرح ترور پیامبر و...)؛

ـ فرهنگی (مانند شبهه‌افکنی، تخریب شخصیت، تحریف تورات و...)؛
ـ اعتقادی (مانند انحراف از توحید، انکار نبوت و قیامت و دشمنی با جبرئیل)؛
ـ اقتصادی (مانند برنگرداندن اموال مسلمانان و ایجاد بحران اقتصادی). (جدیدبناب، ۱۳۸۱: ۴۵-۱۰۶)

چالش‌های یهودیان علیه اسلام و مسلمانان، با توجه به آیات قرآن کریم، ریشه در روحیه استکباری و نژادپرستی این قوم داشت. (جدیدبناب، ۱۳۸۱: ۱۰۸-۱۳۸) پیامبر اکرم ﷺ در برابر چالش‌های اجتماعی یهودیان، سیاست‌های گوناگونی اتخاذ کردند:

ـ انعقاد قرارداد و پیمان (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج۲، ۲۲۱؛ واقدی، ۱۴۱۴: ج۱، ۳۶۸-۳۶۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۸: ج۲، ۴۸؛ بلاذری، ۱۴۰۵: ۳۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۳: ج۱، ۳۷۰)؛
ـ دعوت به حق و فطرت خدادادی‌شان؛
ـ مدارا و همراهی با آنان (قرطبی، ج۱۴، ۱۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج۱، ۳۷۳-۳۷۴؛ طبری، ج۷، ۴۵۵؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ج۲، ۱۰۷)؛
ـ فراخوان به عقاید مشترک و پرهیز از اختلاف؛
ـ مناظره علمی و پاسخ به شبهات ایشان؛
ـ برخورد نظامی کند. (جدیدبناب، ۱۳۸۱: ۱۵۷-۱۷۴)

البته برخی محققان، دلیل دشمنی پیامبر ﷺ با یهود را مسلمان نشدن یهودیان می‌دانند. (اپیستاین، ۱۳۵۸: ۲۱۷-۲۱۸) در مقابل، برخی بر این عقیده‌اند که این یهودیان بودند که در دشمنی با مسلمانان در جزیرةالعرب پیش‌گام بودند. (یوسف حداد، ۱۹۸۹: ۵۸-۵۹)

از آن‌چه گفته شد می‌توان فهمید که قوم یهود برای مقابله با اسلام و ایجاد عملیاتی را در سه مرحله زیر طراحی کردند:

۱. تلاش برای جلوگیری از تولد پیامبر ﷺ؛
۲. ایجاد مانع در مسیر حرکت حضرت به سوی بیت‌المقدس؛
۳. نفوذ در سازمان حکومتی پیامبر ﷺ و انحراف در خط‌مشی رسول‌الله ﷺ مانند انحراف در مسیحیت.

یهودیان با پیش‌بینی این‌که ممکن است هریک از این سه مرحله به نتیجه مورد نظر نرسد، هر سه سیاست را با هم آغاز کردند و اگرچه نتوانستند از تولد پیامبر ﷺ جلوگیری کنند، ولی با استفاده از استحکامات خود پیامبر را مجبور کردند که برای عدم رسیدن به بیت‌المقدس اور را در جنگ تبوک، متوقف نمایند. علاوه بر این‌که در تمام جنگ‌های قبلی نقش این قوم مستکبر

از همه پررنگ‌تر است. (القمی، ۱۳۸۷: ج۱، ۱۲۶ و ۲۷۰؛ ج۲، ۱۷۹؛ الطبری، ۱۳۶۲: ج۱، ۱۷۳؛ الواقدی، ۱۴۱۴: ج۱، ۱۸۶)

اگر دیدگاه قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ را در مورد این قوم عنود مطلع شویم، خداوند متعال و رسولش ﷺ از یهودیان تنفر و انزجار خاصی داشته‌اند و آنان را دشمنان اصلی مؤمنین معرفی کرده‌اند. علت تنفر از یهود به چالش‌هایی که آنها در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، ایجاد کرده بودند، برمی‌گردد. البته این چالش‌ها ریشه در استکبار، لجاجت، خودبرتربینی، نژادپرستی، آنها دارد. این خصلت‌های ناپسند باعث شد یهودیان به جای توجه به مشترکات دینی و اتحاد و فرصت‌سازی به ایجاد بحران و چالش در مقابل دین اسلام روی آوردند.

چالش یهود قبل ظهور

مطابق برخی روایات و حکایت، قوم یهود دو راهبرد را برای ایجاد چالش بر سر راه دین اسلام به ویژه افکار شیعی به کار برده‌اند:

راهبرد ۱: مدیریت ادراک از طریق تصویرسازی

مدیریت ادراک یکی از فاکتورهای مهم امنیتی است که برای تنظیم و حفظ حمایت‌های داخلی و برای شکل دادن به عقاید بکار برده می‌شود و تصویرسازی از ارکان اصلی مدیریت ادراک مهار تهدیدات به شمار می‌آید. (مطالعات گروهی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) الگوهای مدیریت ادراک یهود از طریق دو نوع تصویرسازی عملیاتی شده است:

سیاست ۱: تصویرسازی منفی از اسلام

اقدام اول: برچسب زنی: قوم یهود برای این‌که افکار عمومی را مدیریت و نسبت به نفوذ مباحث پیامبر اکرم ﷺ مصون‌سازی به عمل آورد، تلاش نمود تا با اهانت به او، تصویرسازی مکملی را در کنار تصویر دروغگویی ارائه دهد. (بقره: ۱۰۴) مهم‌ترین عاملی که باعث رفتارهای توهین‌آمیز نسبت به پیامبر گرامی اسلام ﷺ و مسلمانان در عصر حاضر شده است، هجمه رسانه‌های یهود از جمله هالیود بر پایه سیاست‌گذاری مسئولان یهودی است. آنها به واسطه رسانه‌هایی که در اختیار خود دارند توانسته‌اند، نوعی اسلام‌هراسی را در دنیا مطرح کنند. این اقدام با هدف «حسّاسیّت‌شکنی»، «تقدّس‌زدایی» همراه با «امکان‌سنجی برچسب‌های بیشتر» و «جلوگیری از نفوذ و گسترش بیشتر اسلام» سابقه‌ای دیرینه در تاریخ طولانی خود علیه اسلام دارند. در قرن معاصر در عرصهٔ بین‌المللی با پدیده‌ای به نام «اسلام‌هراسی» مواجه هستیم که

رسانه‌های خاص آن را متناسب با اهداف خود در جهان اسلام دنبال می‌کنند. برپایهٔ این دشمن‌سازی و اسلام هراسی، از مدت‌ها پیش این خطّ تبلیغی در رسانه‌ها دنبال می‌شود که جهان اسلام درصدد نابودی یهود است. (https://www.dw.com/fa-ir)

اقدام دوم: بی‌اعتبارسازی: سحر نوعی تصرف در حاسّه انسان است، به‌طوری که حاسّه بیننده چیزهایی را ببیند و یا بشنود که حقیقت نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین اهداف یهودصهیونیستی از نفوذ در رسانه، تلاش در جهت به کارگیری شیوه‌های گمراه‌کننده به منظور معرفی اسلام به‌عنوان یک جنبش انعطاف‌ناپذیر و مخالف تمدن است و این‌که اسلام خطری جدی برای جهان است. (علیخانی، ۱۳۸۴) استراتژی یهود در ساخت فیلم نیز تنها به تولید فیلم‌های یهودی در جهت موجه جلوه دادن چهره یهود و اسرائیل محدود نمی‌شود، بلکه شامل فیلم‌هایی نیز می‌گردد که به تخریب هویت اسلامی و تضعیف رنگ و بوی مذهب در زندگی مسلمانان می‌پردازند. اساساً قسمتی از چالش‌های فرهنگی که در جهان اسلام با آن مواجه‌ایم برگرفته از این صنعت و هنر است که رهاورد آن نیز جنگ روانی غافلانه‌ای است که در جهت مقاصد یهودی رخ می‌دهد و این یک واقعیت است.

اقدام سوم: اهریمن‌سازی: یکی دیگر از روش‌های این قوم برتری‌طلب تکنیک اهریمن‌سازی است. اولین برجسته‌سازی از اسلام و مسلمین خشونت‌طلب معرفی کردن است همان عملیاتی که بسیاری از یهودیان عصر پیامبر اکرم ﷺ انجام دادند. بعد از اجرای موفقیت‌آمیز نمایش یازده سپتامبر به کارگردانی مشترک یهود و مسیحیان صهیونیست، اسلام‌ستیزی در جامعه آمریکا به اوج خود رسید. بر اساس آمارهای FBI در سال ۲۰۰۱ حدود ۵۰۰ حمله به مسلمانان گزارش شده بود که این تعداد در سال ۲۰۰۹ به ۱۰۷ حمله کاهش یافت، اما در سال ۲۰۱۰ این حمله‌ها به ۱۶۰ مورد افزایش یافت که همزمان با شدت گرفتن فعالیت‌های اسلام هراسی بود. (http://www.redstate.com)

اقدام چهارم: تخریب شخصیت: هدف از این اقدام این است که رهبران ذی‌نفوذ نزد مخاطبان، دچار بی‌منزلتی و تخریب چهره شوند. در این ارتباط، برنامه یهود برای انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر ایجاد تنش و یا خدشه‌دار کردن روابط، بیهوده کردن و زیان‌آور کردن روابط و نهایتاً قطع روابط کشورها با ایران استقرار پیدا کرده است، در مورد اول یعنی ایجاد تنش در روابط، قوم یهودی سعی می‌کند با عمده کردن نقاط افتراق طبیعی در سیاست‌های متخذه از سوی کشورهای مرتبط با ایران و ایجاد حساسیت در این مورد، روابط ایران با کشورها را سرد کرده و یا دچار بحران نماید. (رضوی، ۱۳۷۹: ۸۸)

اقدام پنجم: تنفرسازی: افلاطون می‌گوید:

کسانی که داستان‌ها را روایت می‌کنند، بر جوامع حکومت نیز می‌کنند.

در پروتکل دوازدهم دانشمندان یهود آمده است:

ما از طریق مطبوعات و روزنامه‌ها، نفوذ قابل توجهی به دست آوردیم. با این حال، خود هم‌چنان پشت پرده ماندیم.

به همین دلیل، یهودیان نقش مهم و غیرقابل انکاری در اسلام‌هراسی و تنفرسازی ملل مختلف با تسلط بر همهٔ وسایل اطلاع‌رسانی، از سیما گرفته تا صدا و مطبوعات، بازی کردند.

سیاست ۲: تصویرسازی مثبت از خودشان

اقدام اول: توسل به سنت‌ها: قوم یهود برای این‌که تصویری از مشروعیت خود ارائه دهند به سنت‌ها متوسل گردیدند با این توضیح که با استناد به فقراتی از کتاب مقدس، تورات شفاهی و تلمود سعی داشتند تا تصویر موجه و حقی از خود نشان دهند و در عین حال حریفان خود را ناموجه و بی‌اعتبار جلوه دهند.

اقدام دوم: اثبات حقانیت: یهودیان برای نشان دادن حقانیت‌شان، معتقدند که همه مردم جهان به آنها ظلم کرده‌اند به این علت کینه کلیه ملت‌ها به‌ویژه مسلمانان را به دل گرفته‌اند. یهودی‌ها بر این باور هستند که ملت‌های مسلمان سرزمین آنها را سلب کرده‌اند و لذا یکی از اهداف اصلی یهود پس گرفتن سرزمین موعود است تا در آن جا نظم نوین جهانی را اجرا کنند به گفته موشه شارت در کنگره جهانی یهود؛ اسرائیل ملک مشترک همه ملت یهود است؛ یعنی سرزمین یهودیان همه جای دنیاست. (تقی‌پور، ۱۳۸۴: ۴۷۰) تصویر دیگری که قوم یهود در تلمود در طول تاریخ از خود ارائه دادند، تفاوت نژاد آنها از سایر مردم است. (مک کال، ۱۸۶۸: ۵۴۳) در این زمینه سعی کردند تا حقانیت خودشان را از طریق تنخ و برگزیدگی بنی‌اسرائیل، بخشش‌های پی در پی و نگاه ویژه یهوه به آنان اثبات نمایند. (حزقیال: ۱۱: ۱۶-۱۸؛ اپستاین، ۱۳۸۵: ۴۵-۴۶)

اقدام سوم: قدرت‌نمایی: در پروتکل سیزدهم از پروتکل‌های دانشمندان صهیونیست آمده است:

ما باید مردم را با وسایل و راه‌های گوناگون به لهو و لعب بکشانیم. پس از آن، مردم به تدریج نعمت اندیشهٔ آزاد و مستقل را از دست می‌دهند و همگی با ما هم‌صدا می‌شنوند، زیرا پس از آن، ما تنها اعضای جامعه‌ای هستیم که شایستگی ارائهٔ برنامه های فکری جدید را داریم و آنها پیرو ما می‌شوند.

راهبرد ۲: مدیریت ادراک از طریق تحبیب و تهدید

قوم یهود در برابر تهدید نرم اسلام و مسلمین، ضمن توسل به عملیات روانی و توجیه مبانی مشروعیت خود، سیاست دوگانه تهدید و تحبیب را علیه مسلمانان به کار گرفت. مهم‌ترین سیاست‌های اجرا شده عبارتند از:

سیاست ۱: ارعاب

یکی از عوامل تشدیدکنندهٔ ترس، محیط رعب‌آفرین و برخوردهای همراه با تهدید و ارعاب است. این سیاست یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های جنگ روانی است که از طریق ایجاد جو وحشت و اضطراب، انگیزه مقاومت حریف تخریب می‌شود. سیاست ارعاب برای این قوم اصالت و اولویت داشت و اقدامات مختلفی برای مرعوب ساختن مؤمنین انجام دادند:

اقدام اول: تهدید به مهاجرت: تئودر هرتزل ـ بنیانگذار رژیم یهودی صهیونیستی ـ در مورد استراتژی‌های خود در این رژیم، می‌نویسد:

> مرزهای اسرائیل به‌اندازه‌ای وسیع خواهد بود که مرزهای دولت‌های داود و سلیمان را در بر گیرد. این مرزها براساس نیازها و افزایش مهاجران متغیر خواهد بود.

طبق این تفکر، توسعه‌طلبی به عنوان جزء لاینفک یهود، نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان رسانه‌ای و نظامی می‌باشد. لذا از جمله برنامه‌های مهم استراتژی آنان، تصرف مقدار بیشتر از زمین‌های کشورهای مجاور و اخراج اجباری ساکنان آنها با استفاده ازخشونت مستمر و تهدید مسلمانان است. ایجاد جنگ روانی به منظور ارعاب و اجبار مسلمانان، و تشویق مادی آنها برای مهاجرت و فرارکردن راه حل این مشکل بود. (صفاتاج، ۱۳۸۲: ج۱، ۱۴۴)

اقدام دوم: تهدید به ناامنی: در دکترین معروف به «دکترین حاشیه‌ای» که به مفهوم مجاز بودن هرگونه دست‌اندازی نظامی، سیاسی و اطلاعاتی در داخل کشورها و سرزمین‌های همجوار فلسطین از سوی جامعه یهودی، برای دفاع و حراست از موجودیت آن مطرح شد. یهودی‌ها به اقتضای منافع خود، قلمرو کشورهای پیرامونی را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که ممکن است، نه یک یا چند کشور بلکه یک قاره را نیز در برگیرد. به عنوان نمونه در سال ۱۹۵۶م/ ۱۳۳۵ش، حکومت یهودی غاصب اسرائیل با همکاری مشترک و رسمی فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی گسترده‌ای از زمین، دریا و هوا علیه مصر آغاز کرد. آنها ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت کشور مصر و تأمین امنیت و منافع اقتصادی اسرائیل را بهانه برای تهاجم اعلام کردند. در سال ۱۹۶۷م/۱۳۴۶ش، بهانه‌های مشابه اسرائیل، موجب تهاجم نظامی علیه مصر و سوریه شد. هم‌چنین فرضیه دفاع از امنیت اسرائیل را، توجیه

مناسبی برای اشغال کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان ارزیابی کرد.

اسرائیل با همین انگیزه و استراتژی، اما با شعار پوششی امنیت الجلیل، در سال ۱۹۸۲م/ ۱۳۶۱ش تهاجم وحشیانه‌ای را به لبنان آغاز و تا دروازه‌های شهر بیروت پیشروی کرد. در این تجاوز سفاکانه، هزاران لبنانی و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف صبرا و شتیلا هنوز در اذهان جهانیان زنده است (تقی‌پور، ۱۳۸۴).

اقدام سوم: تهدید به کشتار: عمق‌بخشیدن به تهدیدات فراگیر و قریب‌الوقوع مسلمانان، و در نتیجه افزایش نقش نیروهای نظامی به عنوان تنها وسیله دفاع از قوم یهود. (عبدالعال، ۱۳۸۷: ج۱، ۱۱۳) در سال ۱۹۸۲م/۱۳۶۱ش، تهاجم وحشیانه‌ای را به لبنان آغاز و تا دروازه‌های شهر بیروت پیشروی کرد. در این تجاوز سفاکانه، هزاران لبنانی و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف صبرا و شتیلا هنوز در اذهان جهانیان زنده است.

اقدام چهارم: ایجاد جو وحشت علیه مؤمنان: درمسیر تاریخ، یک چهره‌کریه از بنی‌اسرائیل رخ می‌نماید که به‌عنوان یک ملت متکبر و پریشان، نمود جاه‌طلبی بی‌محتوایی‌که‌افراد بشر را به‌سوی گمراهی آشکار سوق می‌دهد، شناخته‌شده‌اند. خداوند متعال، پیامبران متعددی‌را به سوی‌ملت بنی‌اسرائیل اعزام‌نمود تا آنان به آئین یهود درآمدند. اما پس‌از مدتی‌تدیّن آنها به سمت طغیان و استبداد، متحول گردید. به‌صورتی‌که‌به‌دیگران به دیدهٔ‌بردگان خود می‌نگریستند و همین بلندپروازی بود که بنی‌اسرائیل را به تساهل‌در قتل و کشتار دیگر ملت‌ها و تهمت و شکنجه و آزار آنان واداشت. این اعتقاد سوء در کوچک شمردن دیگر ملل‌جهان و سوءرفتار آنان به‌نام دین‌و مذهب تمام شده است. نسل‌های بعدی یهود نیز با الهام‌گیری از این تعالیم، تربیت یافته و بنابراین طغیان‌یهود به صورت تدریجی، چند برابر شده است. یهودیان بیم آن داشتند که مردم از مسیر انحرافی و اعمال آنها در حق سایر ملل و توده‌ها، آگاهی یابند. لذا به تلاش در تسلط بر تاریخ و وسایل تبلیغاتی، رو آوردند و جرائم خود را به دشمنان‌شان نسبت دادند. (الطایی، ۱۳۸۴: ج۱، ۱۲)

سیاست ۲: تطمیع

درخشان‌ترین بخش از کارنامهٔ تکاپوهای اتحاد اسلامی سلطان حمید، ـ حاکم عثمانی ـ مقاومت سرسختانهٔ او در برابر پیشنهادهای فریبنده و تهدیدهای یهودی‌ها برای تأسیس دولت یهود در سرزمین فلسطین بود.(الشناوی، ۱۹۸۶: ج۲، ۹۷۳-۱۰۰۲؛ حلاق، ۱۳۸۰: ۷-۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵-۱۷) سلطان عثمانی در نامه‌ای به شیخ طریقت بزرگ شاذلیه، می‌نویسد:

مبلغ ۱۵۰ ملیون لیره طلای انگلیسی به من عرضه کردند که این پیشنهاد ـ دولت یهودی در فلسطین ـ را نیز قاطعانه نپذیرفتم. و در پاسخ به آنان جواب صریح ذیل را دادم: اگر شما ـ علاوه بر این ۱۵۰ ملیون لیره طلای انگلیسی ـ دنیا را پر از طلا می‌کردید و به من می‌دادید، به‌طور قطع هرگز این پیشنهاد شما را نمی‌پذیرفتم. (حسان حلاق، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۳)

پاسخ سلطان عثمانی به جنبش یهود صهیونیستی، صریح و قاطع و همواره یکسان بود:

... من نمی‌توانم حتی از یک وجب این سرزمین دست بردارم؛ چرا که این خاک ملک شخصی من نیست بلکه ملک ملت من است، ملت من در راه این سرزمین جنگیده‌اند و آن را با خون خود آبیاری کرده‌اند، یهودیان میلیون‌ها ثروت خود را برای خود نگهدارند و هرگاه امپراطوری من از هم گسسته شد آنها می‌توانند فلسطین را مفت و مجانی به دست آورند. اما می‌بایست قبل از هر چیز از روی اجساد ما بگذرند و من نمی‌توانم موافقت کنم و لو منجر به شقه شقه شدن ما بیانجامد در حالی که ما هنوز جان در بدن داریم. (حسان حلاق، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶)

او می‌گفت:

حاضر نیستم انگ فروش بیت‌المقدس را به یهود، و خیانت در امانتی که مسلمانان مرا به حفظ آن مکلف نموده‌اند، در تاریخ تحمل نمایم. (هدی درویش، ۱۴۱۸: ۴۱)

سلطان خود دربارهٔ طرح‌های صهیونیسم در خاطرات سیاسیش چنین گفته است:

من تلقی مثبتی از مهاجرت یهودیان نمی‌توانم داشته باشم. دیگر گذشت دورانی که غیر هم‌کیشان‌مان را خودمان چون استخوانی در گوشت‌مان فرو می‌کردیم. در درون مرزهای‌مان، فقط افرادی که از ملت ما و شریک در باورهای دینی ما باشند را می‌توانیم بپذیریم. (هدی درویش، ۱۴۱۸: ۷۳؛ حلاق، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۳)

سیاست ۳: سرکوب

این سیاست حین اجرای الگوی مدیریت ادراک و عموماً پس از آن مورد توجه بوده و شامل اقدام‌های مختلفی می‌شود:

اقدام اول: امنیتی کردن: در قالب این اقدام بازیگر به منظور جلب رضایت و ضرورت کاربرد زور برضد جریان مخالف، آن جریان را حرکتی ضد امنیتی نشان می‌دهد تا از این طریق همرامی دیگران را ساده‌تر و زودتر جلب نماید. (بوزان ۱۳۸۶: ۵۴) آنها از هیچ اقدامی در جهت مثبت جلوه دادن اسرائیل و کنار زدن افراد منتقد نسبت به این‌سیاست‌ها، یا محاسن‌پشتیبانی

بی‌قیدوشرط آمریکا از اسرائیل، فروگذار نمی‌کنند. البته این تلاش‌ها همواره موفقیت‌آمیز نیست، ولی در مثبت بودن طرز تفکر عمومی نسبت به اسرائیل بسیار مؤثر است. (جی می یرشایمر، ۱۳۸۹: ج۱، ۲۰۹)

اقدام دوم: غافلگیری: به نوشته دکتر غازی اسماعیل ربابعه استاد بخش علوم سیاسی دانشگاه اردن، غافل‌گیری در بیشتر جنگ‌ها، سهم عمده‌ای در استراتژی یهود داشته و در همه درگیری‌ها از این اصل استفاده شده است. یهودی‌ها با شروع هر جنگ، آن را به داخل خاک دشمن منتقل کرده‌اند. دلیل اصلی این اقدام، عدم وجود عمق کافی در سرزمین [فلسطین] است. شعار اسرائیل در اصل ابتکار عمل این است که اولین ضربه را تو وارد کن تا کمترین خسارت متوجه تو شود. (غازی، ۱۳۶۸: ۲۱۷)

اقدام سوم: ریشه‌کن‌سازی: هانتر، مدیر پروژه خاورمیانه مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی دانشگاه جرج تاون می‌گوید:

> به هر حال یهودی‌های صهیونیست به صورت کلی با جریان‌ها و گروه‌هایی از جهان اسلام که به اصول و مبانی اسلامی ملتزم و معتقد هستند، به شدت مبارزه می‌کنند و آنان را در فشار و تنگناهای سختی قرار می‌دهند و حتی فجیع‌ترین جنایات را در حق مردم مسلمان فلسطین روا می‌دارند که نمونه بارز آن کشتار هر روز، مردم توسط ارتش صهیونیستی است. (جدید بناب، ۱۳۸۲: ۸۷)

سیاست۴: امحاء

تلاش برای مدیریت یک پدیده به گونه‌ای که هیچ رد و اثری از آن در جامعه باقی نماند را امحاء می‌گویند که می‌تواند به افزایش ضریب امنیتی بازیگر کمک نماید. (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۴۹۳) به گفته یک نویسنده جهان عرب:

> استراتژی یهود در آغاز تنها یک سلسله آرزوهای نهفته در نفوس یهود بود که از حالات درونی و شرایط زندگی آنها [...] حکایت می‌کرد؛ اما به آرامی مبدل به یک عقیده شد و سپس صورت استراتژی و تاکتیک را به خود گرفت. سؤالی که در این راستا مطرح می شود این است که آیا استراتژی اسرائیل هیچ‌گونه تغییر نپذیرفته و کماکان در پی ایجاد دولت اسرائیل در سرزمین تاریخی مورد ادعای رهبران آن، از نیل تا فرات و سپس سیادت کامل بر تمام جهان است. اهداف این استراتژی در توسعه‌طلبی، تسلط و سیطره، گسترش نفوذ و تحقق آمال اسرائیلی‌ها خلاصه می‌شود. (غازی، ۱۳۶۸، ۲۱۶-۲۱۷)

راهبردها و راهکارهای مهار چالش

راهبرد ۱: فرسایش قدرت نرم قوم یهود

در این چارچوب، باید از طریق مدیریت تصاویر، سرچشمه‌های اساسی قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی قوم یهود را مورد آماج خود قرار داده و دچار فرسایش نمود به تعبیر دیگر به چالش بکشانیم.

سیاست‌ها عبارتند از:

سیاست ۱: مشروعیت‌زدایی: در یک تعریف کوتاه مشروعیت قدرت را می‌توان به درجه باور قدرت‌پذیران به اعتبار و لزوم اعمال قدرت تولید شده بر آنان به وسیله تولیدکنندگان قدرت تعریف کرد. (نبوی، ۱۳۷۹: ۷-۴۴۶) هر چند بخش اعظم این سیاست به دوش مسئولین نظام است اما رویکرد روحانیون و اهل منبر در رسانه‌های حقیقی و مجازی از راه تصویر قدرت مطلقه الهی، حقانیت رسول گرامی اسلام ﷺ، تصویر صحیح از معصومین به ویژه حضرت بقیة‌الله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، عدم تحریف قرآن کریم و حقانیت آن و... مشروعیت هر گونه قوم‌گرایی، نژادپرستی و سلطه‌طلبی را زیر سؤال برد و به انزوا بکشانیم.

سیاست ۲: ناکارآمدسازی: نظام‌ها و قوم‌های اجتماعی نه تنها برای شکل‌گیری که برای تداوم بقاء نیز نیازمند به مشروعیت می‌باشند که از آن به مشروعیت ثانویه یا کارآمدی یاد می‌شود. (شجاعی‌زند، ۱۳۷۷: ۵۳) در همین راستا باید در مواجهه با قوم یهود در گام اول از رسانه «اقدامات بیانی ـ تبلیغی» رکن اساسی سرچشمه قدرت نرم آنها را سست نموده با «اقدامات رفتاری و عملیاتی» تلاش کرد تا کارآمدی حاکمیت را نیز با مشکل روبرو نموده و در نتیجه اقتدار آنها را در سطح جهان شکننده نمائیم. بدیهی است که بخش اول اقدامات متوجه جامعه نخبگانی جامعه اسلامی ـ شیعی است و بخش دوم اقدامات مربوط به جبهه مقاوت و مدافعان حرم است.

مهم‌ترین اقدامات ذکر شده در قرآن کریم عبارتند از:

اقدامات پیامبر اکرم ﷺ شبهات و اشکالات‌شان را پاسخ می‌گفت و معجزاتی نیز برای آنها مانند: معجزات حضرت مسیح علیه‌السلام آوردند که این قوم لجوج قبول ننمودند.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز تورات و انجیل را از غار انطاکیه بیرون می‌آورند، (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۷) تابوت سکینه را نیز با خود می‌آورد. عصای حضرت موسی علیه‌السلام را می‌آورد. (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج۵، ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج۵۲، ۳۹۰) اعجاز نبوی و مهدوی در هدایت این قوم تأثیر اندکی داشت. ما نیز با کاربست روش‌های کتاب الهی و سنت نبوی و منویات رهبری

کـه همـان مقـاوت عالمانـه و مجاهدانـه در همـه عرصـه‌هاسـت، قـدرت نـرم و سـخت آنهـا را به چالش می‌کشانیم.

سیاست ۳: اجماع‌شکنی: یکی از موفقیت‌ها در فرسایش قدرت نرم قوم یهود، ایجاد شکاف و انشقاق در میان سطوح مختلفِ دستگاه آنان است. آیات شریفه ۶۱-۶۲ سوره مبارکه طه به این روش اشاره دارد؛ از آن جمله شکاف بین ساحران با فرعون. (طه: ۷۰) یهودیانی که هم اکنون در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند، دارای ملیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف هستند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: به تعداد ملیت‌هایی که یهودیان از میان‌شان به این سرزمین آمده‌اند، فرهنگ وجود دارد و به همین دلیل یهودیان هر کشوری در فلسطین، معمولًا در ناحیه خاصّی زندگی می‌کنند. (سولا، ۱۳۵۷: ۳۵) در اسرائیل به چند زبان مختلف دنیا مانند عبری، عربی، آلمانی، لهستانی، انگلیسی و برخی زبان‌های دیگر تکلم می‌شود. در عملیاتی کردن این سیاست نه تنها به نیاز به اجماع درونی است بلکه باید یک اجماع بین‌المللی نیز به دست آوریم که در نظریات راهبردی امام راحل﵀ و امام حاضر نیز به چشم می‌خورد. آن‌چه که مسئولیتش را بر عهده جامعه نخبگانی سنگین می‌کند تلاش برای گفتمان‌سازی و تصویرسازی واقعی قضیه است. اتحاد جامعه اسلامی، سبب درهم شکستن ائتلاف یهودی‌ها و هم‌پیمانان‌شان می‌باشد. به عنوان نمونه اتحادیه اروپا از تصویب قانون «کشور یهود» که حق تصمیم‌گیری یهودیان صهیونیست در سرزمین‌های اشغالی را به رسمیت می‌شناسد، ابراز نگرانی کردند. و با صراحت اعلام کردند که تنها راه حرکت به جلو تشکیل دو کشور است و باید از هر گامی که تحقق این راه حل را پیچیده می‌کند یا مانع آن می‌شود، اجتناب شود. (https://www.ettelaat.com)

سیاست ۴: ناامیدسازی: در سایه استقامت و پایداری در راه هدف است که دشمن نژادپرست ناامید و مأیوس می‌شود. مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مسدولان آموزش و پرورش فرمودند:

> آن‌چه صلابت این ملت راحفظ خواهدکرد، عبارت است از وحدت حول محور ایمان و انقلاب؛ این چیزی است که دشمن را ناامید می‌کند. (۱۳۸۱/۴/۲۶)

سیاست ۵: فرسوده‌سازی توان مدیریتی: چنان‌چه نظام سیاسی به‌طور مستمر با موضوعات یا مسائل امنیتی سر و کار داشته باشد، با فرسایش در توان مواجه شده و پس از مستولی شدن یأس و ناامیدی در جامعه، به سمت فروپاشی سوق خواهد یافت. قوم نژادپرست یهود با ایجاد مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی درصدد ایجاد خستگی و فرسودگی در میان ملت‌های

اسلامی است؛ زیرا اگر موفق به ایجاد این معضل در جامعه شود، آن‌گاه جوامع دیگر توان و انگیزه تلاش و مقابله را نخواهند داشت و در نتیجه قوم نژادپرست می‌تواند چنین جامعه‌ای را به راحتی از پای درآورد.

راهبرد ۲: تولید قدرت نرم

قدرت به مفهوم توانایی و قابلیت، علاوه بر گوناگونی انواع، تعریف متفاوتی در ادبیات قرآن و رایج سیاسی جهان دارد. قدرت نرم به معنای جذب انسان‌ها و جوامع انسانی به اندیشه و عمل مورد نظر به دور از خشونت و زور، سابقه‌ای به طول عمر انسان داشته و در ادبیات سیاسی امروز، ظهور مجدد و پررنگی یافته است و به منظور تحمیل ارادهٔ خود بر دیگران به کار می‌رود. این راهبرد قرآنی علاوه بر به کارگیری قدرتِ سخت در موارد خاص، بیشتر به قدرت نرم خود متّکی است. آیات قرآن بیانگر قدرت نرم اسلام و منابع آن در برابر جنگ نرم مستکبران است. شناخت قدرت نرم اسلام به منظور حفظ و تقویت آن ضروری است؛ زیرا از یک‌سو وسیله‌ای برای نفوذ و تغییر در دل‌ها و رشد انسانیت است و از سوی دیگر مانعی برای دست‌یابی دشمنان به جامعهٔ اسلامی و منابع قدرت آنهاست. بیشترین قدرت نرم قرآن را در بینش‌دهی و آگاه‌سازی انسان‌ها نسبت به موضوعات و مسائل مؤثر در هدایت جامعه و رشد انسان‌ها می‌داند. ایجاد بینش توحیدی در انسان، بینش و برنامهٔ قرآن دربارهٔ انسان، جهان، دشمن‌شناسی، جهاد و... اندکی از نمایش قدرت نرم و منابع تولید آن در قرآن است که تبیین و تبلیغ آن نیازمند هوشمندی است. علاوه بر قدرت نرم در بخش مبانی و ارزشها، باید نسبت به راهبردها و استراتژی‌های مناسب نیز مجهز بود. به فرموده مقام معظم رهبری: «پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند می‌کند. «اَلعِلمُ سُلطان»(ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج۲۰، ۳۱۹) «سلطان» یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که آن را داشته باشد «صالَ»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صیلَ عَلَیه»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد»(۹۶/۷/۲۶) قدرت نرم هنگامی مؤثر واقع می‌گردد که مخاطب تصویر ارائه شده از قدرت را بپذیرد. بر این اساس حضرت امام و مقام معظم رهبری در کنار فرسایش اقتدار قوم یهود، با استفاده از امکانات و داشته‌های خود و مردم مؤمن که مؤید به تأییدات الهی‌اند، توانستند تصاویری را از خود در جامعه امروزی که در آن زندگی می‌کردند، ارائه دهند که منجر به پذیرش قدرت نرم از سوی ملل مختلف شده است. برخلاف راهبرد قبلی، در راهبرد جنگ نرم بیشتر طبقه نخبگانی جهان اسلام و نظام انقلابی است.

سیاست ۱: نمایش مشروعیت: همان‌طور که حضرت موسی علیه‌السلام در اولین اقدام، حقانیت و

مشروعیت الهی خود را با روش‌های اقناعی به تصویر کشید. در واقع رویارویی اولیه حضرت موسی علیه‌السلام با فرعون بیانگر ابلاغ ایدئولوژی حرکت اصلاحی او است. بر همین اساس حضرت موسی علیه‌السلام در رویارویی با فرعون، مبنای مشروعیت خود را الهی و آسمانی معرفی می‌فرماید. (اعراف: ۱۰۴؛ شعراء: ۱۶) بنابراین ما نیز در ادامه نهضت از مسیر توحیدی که قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام ترسیم کرد و حضرت امام رحمه‌الله آن را در عصر حاضر تحقق بست، نباید خارج شویم. حضور گسترده مردم در راهپیمایی‌های روز قدس و سایر روزهای انقلاب، شرکت در کاروان‌های راهیان نور، حضور گسترده در پیاده‌روی اربعین و حاضر شدن در انتخابات نظام و... همه نمایش مشروعیت نظام الهی و انقلابی است که باید پر رنگ‌تر از قبل ادامه یابد.

سیاست ۲: اثبات کارآمدی: که ما می‌توانیم کارآمدترین برنامه برای زیست متعالی در دنیای مادی و معنوی امروز را معرفی نماییم. تحلیل و بررسی گام دوم حضرت آقا در مرحله اول و عملیاتی نمودن آن توسط سه دسته از اقشار مردم در راستای کارآمدی نظام است. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در واقع سند چشم‌انداز نظام اسلامی برای ۵۰ سال آینده است، برنامه کارآمد بلندمدت است که این خود، ناکارآمدی نظام سلطه یهود که بر امریکا و اروپا سایه انداخته، نشان می‌دهد.

سیاست ۳: اجماع‌سازی: برای شکل‌دهی به یک تغییر اجتماعی وجود اجماع یک امر ضروری است. با توجه به این‌که فضای ملت‌های اسلامی بسیار گسترده و متنوع است در راستای اهداف حرکت می‌تواند مشکل‌آفرین و تهدیدساز باشد و قدرت نرم مسلمانان را کاهش دهد. از این رو، نیاز است ضمن با رسمیت شناختن تکثر و تنوع آنها (طه: ۶۰) تلاش نمود، از تفرق ایشان جلوگیری شود. (یونس: ۸۷) راهکارهای حضرت امام خمینی رحمه‌الله در این باب عبارت است از:

- رهبری واحد (روحانی، ۱۳۵۹: ج۱، ۹۹)؛
- شناسایی کانون فساد و منشا اختلاف (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج۸، ۴۶۰)؛
- پرداختن نویسندگان به وحدت(همو: ج۱، ۲۱)؛
- برنامه‌ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی (روحانی، ۱۳۵۹: ج۱، ۱۴۹)؛
- احترام متقابل (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج۳، ۳۲۵)؛
- جلوگیری از اهانت (ستوده، ۱۳۸۷: ج۴، ۴۳)؛
- تمسک به مشترکات (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج۱۱، ۳۷۵)؛
- پرهیز از مسائل تفرقه‌افکن (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج۱۷، ۹۸؛ ج۸، ۴۸۱؛ ج۱۰، ۶۱)؛

ـ اهتمام به امور مسلمانان در جهان (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج۹، ۲۷۷)؛
ـ ایمـان بـه هـدف و بیـداری امـت اسـلامی (امـام خمینـی، ۱۳۷۸: ج۱۵، ۲۶۰؛ ج۶، ۲۶؛ ج۱۰، ۶۹).

سیاست ۴: امیدپروری: اساساً پیشنهاد راه حل‌های خروج از بحران به مردم، امید حرکت و انگیزه مشارکت در جنبش را افزایش می‌دهد. (حسینی، ۱۳۸۱: ۴۲) امیدپروری، تفکر گذرگاه، توانایی ادراک شده فرد برای شناسایی و ایجاد مسیرهایی به سمت هدف است. از آن‌جا که برخی از طرح‌ها و نقشه‌ها ممکن است با شکست مواجه شوند، افراد دارای امید بالا، به منظور مقابله با موانع احتمالی، چندین گذرگاه را در نظر می‌گیرند. (ایروینگ و همکاران، ۱۹۹۸) لازم به ذکر است که آثار سودمند امید، ناشی از توانایی واقعی در ایجاد گذرگاه‌ها نیست بلکه ناشی از این ادراک است که چنین گذرگاه‌هایی در صورت لزوم می‌توانند تولید شوند. در همین راستا، یکی از اقدامات مستمر حضرت آقا در مبارزه با استکبار، «امیددهی» به ملت و جهان اسلام با ادبیات مختلف بود: «این‌که خدا می‌گوید: ﴿إِنَّ اللهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوا﴾ ـ اگر من و شما تقوا داشته باشیم خدا با ما است ـ این معیّت الهی و با ما بودنِ خدا، معنایش این است که می‌توان دو نفر آدم تنهایِ دست خالی را فرستاد به جنگ یک فرعون». (۹۵/۹/۳)

سیاست ۵: ایجاد هویت مقاوم: یکی از ویژگی‌های رهبران بزرگ جنبش اجتماعی نیرو و تحمـل بـالای آنهاسـت. (حسـینی، ۱۳۸۱: ۳۲) در همـین راسـتا مقـام معظـم رهبـری ضـمن برخورداری از صبر و تحمل بالا، به‌طور مستمر مردم را دعوت به صبر و استقامت نموده و از آنان می‌خواهد که به خدا توکل کرده و تنها از او کمک بخواهند. ایشان در چندین بار فرمودند (کلا ان معی ربی سیهدین). ایشان در کنفرانس وحدت اسلامی افزود:

> این سنّت الهی است؛ اگر مسلمان‌ها بِایستند، بر همهٔ ساز و برگ قدرت‌های طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد. (۹۷/۹/۴)

بنابراین به عنوان یک راه‌حل کاربردی در مقام مواجه با قوم خودپسند یهود است. مقام معظم رهبری در این رابطه فرمود:

> نظریّهٔ مقاومت در مقابلِ دشمنِ قوی‌پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصوّر نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریّهٔ مقاومت، یک نظریّهٔ اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل؛ از لحاظ نظری و از لحاظ عملی ـ از هر دو جهت ـ باید [ترویج شود]. (۹۷/۸/۱۲)

نتیجه‌گیری

اقوام، گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی بدلیل تقابل با نظام سیاسی مستقر باعث شکل‌گیری چالش می‌شوند. در چنین محیطی، طرفین سیاست‌ها و الگوهایی را برای برطرف کردن چالش به استخدام می‌گیرند، که هر کدام دارای اصول و مبانی است که جهت‌دهنده و راهنمای عملکرد آنها می‌باشد. در جریان تقابل یهود با مؤمنین، در طول تاریخ، مهم‌ترین الگوی به کار گرفته شده، تصویرسازی مبتنی بر مؤلفه‌های قدرت نرم است. متقابلاً یهود نیز با توجه به اصول و مبانی‌اش از سیاست‌هایی پیروی می‌نماید که تلاش داشت منابع قدرت نرم مسلمانان را تخریب و نابود سازد. در واقع جنس اصول در درون این الگوها که از جهان‌بینی کنش‌گران آن ناشی می‌گردد، از منظر قرآن کریم، یهود قومی است با ویژگی‌هایی چون نژاد پرستی، دین فروشی، تحریف حقایق، فساد در روی زمین، رباخواری، حرص شدید به دنیا و... همیشه چالش برانگیز بودند از این رو راهبرد دشمنی را در تقابل با آنها پیشنهاد داده است ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذينَ أَشْرَكُوا﴾ (مائده: ۸۲).

منابع

- ابن شهرآشوب، محمدبن علی، ***مناقب آل ابی طالب*** علیهم‌السلام، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹.
- ابن هشام، ***السیرة النبویه***، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبة الله، ***شرح نهج‌البلاغه***، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴.
- اپستاین، ایزیدور، ***یهودیت: بررسی تاریخی***، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران، ۱۳۸۵.
- استرآبادی، علی، ***تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة***، مصحح: حسین استاد ولی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، اول، ۱۴۰۹ق.
- بخشی، علی‌آقا، ***فرهنگ علوم سیاسی***، تهران، نشر تندر، اول، ۱۳۶۳.
- بغدادی (ابن‌سعد)، محمدبن سعد، ***الطبقات الکبری***، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- بلاذری، ***فتوح البلدان***، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- بوزان، باری و همکاران، ***چارچوبی تازه برای امنیت***، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
- تقی‌پور، محمدتقی، ***استراتژی پیرامونی اسرائیل: اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا***، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
- جدید بناب، علی، ***تحلیلی بر عمل‌کرد یهود در عصر نبوی***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۸۱.
- ـــــــــــ، ***عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام***، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۸۲.
- حسینی، حسین، ***رهبری و انقلاب؛ نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران***، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- حلاق، حسان، ***نقش یهود و قدرت‌های بین‌المللی در خلع سلطان عبدالحمید از سلطنت***، ترجمه: حجت‌الله جودکی و احمد درویش، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۰.
- درویش، هدی، ***الاسلامیون و ترکیا العلمانیة نموذج الامام سلیمان حلمی***، القاهرة، دارالافاق العربیة، ۱۴۱۸ق.

- دفتر طرح و بررسی‌های استرتژیک، ***قوم‌گرایی و چالش‌های فراگیر جهان***، تهران، انتشارات بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۷۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، ***لغت‌نامه***، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ذوعلم، علی، تاملی در مفهوم «چالش» واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی ـ فرهنگی ایران، ***زمانه***، شماره ۳۶، ۱۳۸۴.
- رضوی مهدی، ***نیرنگ‌سازی صهیونیسم***، قم، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- روحانی، سیدحمید، ***بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی***، تهران، راه امام، ششم، ۱۳۵۹.
- ساکولف، ناهوم، ***تاریخ صهیونیسم***، ترجمه: داود حیدری، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷.
- ستوده، امیر رضا، ***پابه پای آفتاب*** (گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی)، تهران، پنجره، ۱۳۸۷.
- سولا افرایم، ***خداحافظ اسرائیل***، ترجمه فرامرزی، تهران، انتشارات آرمان، ۱۳۵۷.
- سید طنطاوی، محمد، ***بنواسرائیل فی القران و السنه***، مصر، دارالشروق، ۱۹۹۷.
- السیوطی، جلال‌الدین، ***الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور***، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
- شایمر جان جی می یر، ***گروه فشار اسرائیل و سیاست آمریکا***، ترجمه: رضا کامشاد، تهران، فرزان، اول، ۱۳۸۹.
- شجاعی‌زند، علیرضا، ***مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین: بررسی جامعه‌شناختی مناسبات دین و دولت در ایران اسلامی***، تهران، تبیان، اول، ۱۳۷۷.
- الشناوی، عبدالعزیز محمد، ***الدولة العثمانیة، دولة اسلامیة مفتری علیها***، القاهره، مکتبة الانجلو المصریه، دوم، ۱۹۸۶م.
- شهبازی، عبدالله، ***زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران***، تهران، نشر مؤسّسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷.
- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، ***إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات***، اعلمی، بیروت، اول، ۱۴۲۵ق.
- صفاتاج، مجید، ***تروریسم صهیونیستی***، تهران، جمعیت دفاع از ملت فلسطین، اول، ۱۳۸۲.
- صفار، محمدبن حسن، ***بصائرالدرجات فی فضائل آل محمّد*** ﷺ، تحقیق محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، نشر مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، دوم، ۱۴۰۴ق.
- الطایی نجاح، ***مظلوم‌نمایی یهود***، بیروت، دارالهدی، اول، ۱۳۸۴.

- طباطبایی، سیّد محمّدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، بیروت، الاعلمی، ۱۳۸۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تحقیق: با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ق.
- طبری، محمدبن جریر، ***جامع البیان عن تاویل آیات القرآن***، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۲.
- عبدالعال صفا محمود، ***ادعاهای حقوقی تاریخی در سرزمین اسرائیل***، ترجمه: رضوان حکیم‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۸۷.
- عبدالله خانی، علی، ***نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی***، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
- علیخانی، ***سایت باشگاه اندیشه***، ۱۳۸۴.
- عمید، حسن، ***فرهنگ عمید***، تهران، امیرکبیر، پنجم، ۱۳۶۳.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ***تفسیر العیاشی***، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
- غازی اسماعیل ربابعه، ***استراتژی اسرائیل***، ترجمه محمدرضا فاطمی، تهران، نشر سفیر، اول، ۱۳۶۸.
- فورد، هنری، ***یهود بین‌الملل***، علی آرش، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه، ۱۳۸۲.
- قرطبی، محمدبن احمد، ***الجامع لأحکام القرآن***، تهران، انتشارات ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴.
- القمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، ***تفسیر القمی***، تصحیح و تعلیق و مقدمه: سیّدطیب موسوی جزایری، قم، مؤسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، ۱۳۷۸ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ***الکافی***، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کورانی، علی، ***المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، بیروت، دارالمرتضی، اول، ۱۴۳۰ق.
- مجلسی، محمّدباقر، ***بِحَارُ الأَنوَار الجامِعَةُ لِدُرَرِ أَخبَارِ الأَئِمَّةِ الأَطهَارِ***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۰۳ق.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، ***صحیفه***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۸ش.
- ــــــــــــــــ، ***صحیفه انقلاب*** (وصیت‌نامه سیاسی ـ الهی امام خمینی)، تهران، ذکر، ۱۳۸۹.
- المسیری، عبدالوهاب، ***موسوعة الیهود والیهودیة والصهیونیه***، بیروت، دارالشروق، ۱۹۹۹.

- مطالعات گروهی امنیت ملی، ***تهدید نرم در نظریه امنیت (راهبردهای مقابله)***، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
- مطهری، مرتضی، ***خدمات متقابل اسلام و ایران***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- معین، محمد، ***فرهنگ فارسی***، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- نبوی، سیدعباس، ***فلسفه قدرت***، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
- نعمانی، ابن أبی زینب، ***الغیبة***، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷.
- واقدی، محمدبن عمر، ***المغازی***، تحقیق: مارسن جونس، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- ورنر، زد. هیرش و لوک ای. وِبر (گردآورنده)، ***چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره*** سوم، به کوشش: رضا یوسفیان املشی، تهران، دانشگاه امام‌حسین علیه‌السلام، ۱۳۸۱.
- هاکس آمریکایی، ***قاموس کتاب مقدس***، بی‌جا، اساطیر، ۱۳۷۷.
- یعقوبی، احمدبن اسحاق، ***تاریخ الیعقوبی***، تحقیق: مهنا، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۳.
- یوسف حداد، مهنا، ***الروية العربية لليهودية***، کویت، منشورات ذات السلاسل، ۱۹۸۹.
- A.Cohen and Paul Mendes-Flohr, (1987) Contemporary Jewish Religious Thought ,Arthur New York, the Free Press.
- Atlen, Henri (1987), "Chosen People", Contemporary Jewisn Religious Thought, New York.
- Berry, J. W., & Kalin, R. (1995). "Multicultural and ethnic attitudes in Canada: An Overview of the 1991 national survey", Canadian Journal of Behavioral Science, 27, 301-320.
- Bircan, T., Hooghe, M. (2010). "Ethnic Diversity, Perceptions of Ethnic Diversity and Ethnocentrism. A Multilevel Analysis of Ethnocentrism in Belgian Communities". World Congress of Sociology. Göteborg, Sweden, 11-17 July 2010.
- Encyclopaedia, Udaica, 1972, Jerusalem: Encyclopaedia Judaica. Hertzberg, Arthur (ed), Judaism.
- Irving, L. M., Snyder, C. R. and Crowson Jr. J. J. (1998). Hope and the negotiation of cancer facts by college women. Journal of Personality, 66.
- http: //farsi.khamenei.ir/newspart
- http://www.redstate.com/jeff_emanuel/2011/08/26/exacerbating-the-perception-problem-center-for-american-progress-chronicles-the-american-rights-decade-of-baseless-aggression-against-islam